

۱۱۴ داستان اخلاقی

محمد حسین محمدی

محمّدی، محمّد حسین ۱۳۲۵ -
 ۱۱۴ [یکمصد و چهارده] داستان اخلاقی / محمّد حسین محمّدی، - قم:
 زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)، ۱۳۸۶.

ISBN:978-964-2819-21-8

۱۷۶ص: ۱۶۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 ۱. داستان های اخلاقی - ق ۱۴. ۲. داستان های مذهبی - ق ۱۴. الف.
 عنوان.

۲۹۷ / ۶۸

BP ۲۴۹ / ۵ / م ۳ ی ۸



تم: خ ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۷۶، انتشارات زمینه سازان ظهور
 امام عصر (عج)، تلفن: ۷۸۳۲۷۰۷، همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۱۵۸۴

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ۱۱۴ داستان اخلاقی
 مؤلف: محمّد حسین محمّدی
 ناشر: زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)
 چاپ: محمد (ص)
 سال انتشار: ۱۳۸۶
 تیراژ: ۱۵۰۰
 نوبت چاپ: سوم (اول ناشر)
 قیمت: ۱۶۰۰ تومان

مراکز بخش:

- ◉ قم: اصفهان، بزرگمهر، هشت بهشت غربی، ساختمان گویا.
 انتشارات گویا، آقای مهر علی، تلفن: ۲۶۵۸۳۶۲، همراه: ۰۹۱۳۳۰۹۴۰۸۵
- ◉ شمشیراز، ۲۰ متری لاله، جنب پارک لاله، پلاک ۲۷۱،
 مؤسسه فرهنگی نماز، آقای بزاز زاده، همراه: ۰۹۱۷۳۱۳۸۱۸۸

فهرست مطالب

پیش گفتار	۱۳
-----------	----

فصل اول: اخلاق قرآنی

داستان ۱ قرآن مجسم	۱۷
داستان ۲ غذای هنگام افطار	۱۷
داستان ۳ لباس عروسی	۱۸
داستان ۴ زیباترین لباس و زیباترین لباس	۱۹
داستان ۵ شفاعت و رحمت و انساب	۲۰
داستان ۶ سخن هفتاد پهلوا!	۲۱
داستان ۷ احترام حقیقی به قرآن	۲۲
داستان ۸ راهی دیگر به سوی بهشت	۲۳

فصل دوم: رازداری و سخن چینی

داستان ۹ چند تار موا	۲۴
داستان ۱۰ سخن چین خون آلودا	۲۵
داستان ۱۱ سخن چین توبه می کند	۲۶

فصل سوم: وفای به عهد و پیمان شکنی

داستان ۱۲ وفای به عهد، جوانمردی است	۲۷
-------------------------------------	----

- داستان ۱۳ پیمان شکنی زن! ۳۲
- داستان ۱۴ وفای به عهد، شرط بقاء نعمت ۳۳

فصل چهارم: امانتداری و خیانت

- داستان ۱۵ امانت‌داری شیخ ابی عثمان ۳۴
- داستان ۱۶ دستور چنگیزخان مغول ۳۶
- داستان ۱۷ وزیرى داخل پوست گاو! ۳۷
- داستان ۱۸ سزای امین خیانتکار ۴۰
- داستان ۱۹ بانوی باوفا و امانتدار ۴۲
- داستان ۲۰ سزای خیانت در امانت ۴۶

فصل پنجم: رحم و بی‌رحمی

- داستان ۲۱ چوپان شعیب و رحم بر بزغاله! ۵۱
- داستان ۲۲ پیامبر رحمت! ۵۱
- داستان ۲۳ سَبَكْتَكِيْن ۵۳
- داستان ۲۴ ترس خروسی! ۵۴

فصل ششم: راستگویی و دروغ‌گویی

- داستان ۲۵ دروغگو به کیفر رسید! ۵۶
- داستان ۲۶ دروغ مصلحت‌آمیز! ۵۷

- داستان ۲۷ دروغی به قیمت جان! ۵۸
- داستان ۲۸ دروغگویی، فرومایگی است! ۶۰

فصل هفتم: غبطه و حسد

- داستان ۲۹ اولین خون، معلول حسادت! ۶۲
- داستان ۳۰ حسد و مرگ! ۶۴
- داستان ۳۱ اوج حسادت! ۶۶
- داستان ۳۲ سیاحت حضرت عیسی با مرد حسود ۶۸

فصل هشتم: مخالفت با هوای نفس!

- داستان ۳۳ سود مخالفت با نفس حتی برای کافر! ۷۰
- داستان ۳۴ مخالفت عابد بنی اسرائیل با نفس ۷۱
- داستان ۳۵ نتیجه‌ی مخالفت با نفس! ۷۳
- داستان ۳۶ نیایان ولی عصر ۷ ۷۴
- داستان ۳۷ این غلام بر خواسته‌ی نفس چیره شد! ۷۵

فصل نهم: ادب و بی‌ادبی!

- داستان ۳۸ با ادب! ۷۷
- داستان ۳۹ جواب بی‌ادبی معاویه! ۷۸
- داستان ۴۰ پسر بی‌ادب! ۷۹

داستان ۴۱ تعبیر مؤذبانه! ۷۹

فصل دهم: فروتنی و تکبر

داستان ۴۲ منم منم، ممنوع! ۸۱

داستان ۴۳ چگونه متواضع شد؟ ۸۲

داستان ۴۴ در هر حال فروتن باش ۸۲

داستان ۴۵ سعدی در مجمع دانشمندان ۸۴

داستان ۴۶ پاداش یک تواضع ۸۵

فصل یازدهم: حُسن ظن و بدبینی

داستان ۴۷ خوره‌ی بدگمانی! ۸۸

داستان ۴۸ دو نفر زندانی ۸۸

داستان ۴۹ حُسن ظن به خدا ۸۹

داستان ۵۰ گمانمان نیکی با ماست ۹۰

فصل دوازدهم: عیب‌پوشی و پرده‌داری

داستان ۵۱ عیب پنهانی! ۹۱

داستان ۵۲ کُثَاف العیوب! ۹۱

داستان ۵۳ شکر نعمت! ۹۲

داستان ۵۴ عیب پوشی شگفت! ۹۲

فصل سیزدهم: بردباری و بی‌صبری

داستان ۵۵	استقامت بلال!	۹۴
داستان ۵۶	در راه دین چگونه استوار بودند	۹۵
داستان ۵۷	جنایت خوارج!	۹۶
داستان ۵۸	استقامت اُمّ عقیل!	۹۷
داستان ۵۹	در راه تعلیم قرآن چه دید؟	۹۹
داستان ۶۰	شیر زیان و جنگ عیان!	۱۰۰
داستان ۶۱	استقامت ابو دُجانہ!	۱۰۳
داستان ۶۲	نسیبیه‌ی شیر زن!	۱۰۴
داستان ۶۳	پایداری خانواده‌ای مسلمان	۱۰۶
داستان ۶۴	مسلمانان باید پایدار باشد	۱۰۹
داستان ۶۵	عابد بی‌تاب	۱۱۰

فصل چهاردهم: سخاوت و خساست

داستان ۶۶	بخیل و خروس بی‌چاره!	۱۱۲
داستان ۶۷	بخیل نیکوکاری نمی‌کند	۱۱۲
داستان ۶۸	بخل منصور دوانیقی	۱۱۳
داستان ۶۹	بخل هشام بن عبد الملک!	۱۱۴
داستان ۷۰	منطق بخیل و پیامدهای آن	۱۱۵

- داستان ۷۱ مهمان نوازی بخیلان! ۱۱۷
- داستان ۷۲ بخل قارون! ۱۱۸
- داستان ۷۳ ثروت با بخل، بلایی برای انسان ۱۲۱
- داستان ۷۴ زندگی ناجوانمردانه‌ی بخیل ۱۲۳
- داستان ۷۵ شدت کیفر بخل و پستی آن! ۱۲۴

فصل پانزدهم: آرزوهای دور و دراز

- داستان ۷۶ عمر محدود و آرزوی نامحدود ۱۲۶
- داستان ۷۷ نمونه‌ای آشکار از حدود عمر ۱۲۶
- داستان ۷۸ آرزوی یک ماهی رابه گور بردا! ۱۲۸
- داستان ۷۹ آرزوی اهل دل و گنج هواخواهان آب و گِل ۱۳۰
- داستان ۸۰ تأثیر انگشتی در کاخ بهشتی! ۱۳۴
- داستان ۸۱ آرزوی یک روز سلطنت! ۱۳۵
- داستان ۸۲ اندکی آرزو برای زندگی لازم است ۱۳۷
- داستان ۸۳ آرزوی دراز و یکصد تازیانه! ۱۳۸

فصل شانزدهم: صداقت و حيله‌گری

- داستان ۸۴ مکر عجوزه! ۱۴۰
- داستان ۸۵ زاهد دغلباز! ۱۴۱
- داستان ۸۶ سخن معاویه در واپسین لحظات! ۱۴۲

داستان ۸۷ مرد زن نما!	۱۴۲
داستان ۸۸ روباه مکار	۱۴۶

فصل هفدهم: داستان‌های عبرت آموز!

داستان ۸۹ کاروان سرا!	۱۴۹
داستان ۹۰ باقیمانده!	۱۴۹
داستان ۹۱ نان و حلو!	۱۵۰
داستان ۹۲ گریز از ناگزیر!	۱۵۰
داستان ۹۳ جای پایی در بهشت پنهان!	۱۵۱
داستان ۹۴ ورود بی خروج!	۱۵۲
داستان ۹۵ عزت و خواری!	۱۵۲
داستان ۹۶ آهن تافته هم نمی سوزاند!	۱۵۳
داستان ۹۷ رفع طین و وضع دین!	۱۵۵
داستان ۹۸ لقمه‌ای که کار دین را یکسره کرد!	۱۵۶
داستان ۹۹ حضرت صادق (ع) به منصور چه فرمود؟!	۱۵۷
داستان ۱۰۰ نصیحت!	۱۵۸
داستان ۱۰۱ نماز با حضور قلب!	۱۵۸

فصل هجدهم: اخلاص و ریاکاری

داستان ۱۰۲ سه نفر در غار	۱۵۹
--------------------------	-----

- داستان ۱۰۳ از علی آموز اخلاص عمل! ۱۶۰
- داستان ۱۰۴ رها کردن نماز جماعت! ۱۶۱
- داستان ۱۰۵ شیطان و عابد! ۱۶۳

فصل نوزدهم: گوناگون

- داستان ۱۰۶ سگ سفید! ۱۶۵
- داستان ۱۰۷ گریاندن چهل جوان! ۱۶۶
- داستان ۱۰۸ فرار از دام شیطان! ۱۶۷
- داستان ۱۰۹ ۲۶ سال ریگ در دهان! ۱۶۸
- داستان ۱۱۰ نکته‌ای باریک‌تر از مو! ۱۶۹
- داستان ۱۱۱ قربانت! ۱۷۰
- داستان ۱۱۲ گوشه‌ای از حساب قیامت! ۱۷۰
- داستان ۱۱۳ فریب شیطان هنگام احتضار! ۱۷۱
- داستان ۱۱۴ چه سرعتی! ۱۷۲
- منابع و مأخذ ۱۷۴
- لیست منشورات عصر جوان ۱۷۵

پیش گفتار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. پیامبر اعظم ﷺ می فرماید: «من تنها برای کامل کردن فضایل اخلاقی، (از سوی خدا) مبعوث شده‌ام.»

بزرگان دین فرموده‌اند: «شما با مال‌های خود نمی‌توانید مردم را به خود جذب کنید، پس با اخلاق خود مردم را به خود علاقمند سازید.» خود آن حضرات علیهم‌السلام چنین بودند که آن مردم متعصب و خشن و تندخو را مجذوب و فدایی خویش ساخته بودند، تا جایی که می‌بینیم زید بن حارثه که پیش از اسلام در جنگی اسیر شده بود و کم‌کم به عنوان برده درآمد، هنگامی که اطرافیانش خواستند او را از خانه‌ی پیامبر با خود ببرند، از رفتن امتناع کرد. این خبر را به رسول گرامی اسلام رساندند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: اختیار را به خود زید بن حارثه واگذار می‌کنیم، اگر خواست با شما بیاید، من چیزی نمی‌خواهم، او را رایگان ببرید و گرنه همینجا بماند. هنگامی که جریان را به زید بن

حارثه گفتند، از آنجا که وی در اثر اخلاق نیک پیامبر اکرم ﷺ سخت مجذوب آن حضرت شده بود، از آزادی و رفتن نزد خویشانش صرف نظر کرد و حاضر شد به عنوان برده همچنان خدمتگزار پیامبر بزرگوار باشد!^۱

نظیر داستان یاد شده فراوان است. مانند انس بن مالک که سالیان زیاد به طور افتخاری خدمتگزار پیامبر اعظم بود. یاران پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام آن چنان مجذوب آن بزرگواران بوده‌اند که تا سر حد جان و وفاداری می‌کرده‌اند. مانند سلمان، ابوذر، کمیل بن زیاد، سعید بن جبیر، قنبر، میثم تمار، رشید حجری، حجر بن عدی، عدی بن حاتم و یاران امام حسین ﷺ و....

علمای اسلام نیز به خاطر اخلاق نیک خود، مردم را مجذوب خویش نموده‌اند؛ تا آنجا که در راه حمایت و اطاعت آنان از دادن جان و مال و هستی خویش دریغ نمی‌کرده‌اند.

امیر المؤمنین ﷺ می‌فرماید: بدانید کمال دین، طلب علم و عمل است و طلب علم، واجب‌تر است از طلب مال؛ زیرا مال برای شما قسمت شده، اما علم، خزینه است نزد اهلش و من شما را به طلب علم از اهلش امر می‌کنم و در روایت دیگر معلوم نموده‌اند که کدام علم،

نافع و سودمند است و فرموده‌اند: إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ^۱ و فریضة عادِلَةٌ^۲ و سُنَّةٌ قَائِمَةٌ^۳ و مَا خَلَاهُنَّ فَضِيلٌ^۴.

همان‌گونه که پزشک برای تأمین سلامتی بیماران دو نوع دستور دارد - یکی مثبت و دیگری منفی - یعنی به بیمار می‌گوید: این دارو را مصرف کن و فلان غذا را میل کن (دستورات مثبت) و از خوردن فلان غذا خودداری نما و از فلان کار پرهیز نما (دستورات منفی)، ما نیز در این کتاب در هر مورد دستورات مثبت و منفی را در کنار هم بیان کرده‌ایم. به عنوان مثال وقتی در باره‌ی دوستی و محبت داستان‌هایی را نقل نمودیم، داستان‌هایی را نیز در باره‌ی زیان‌های دشمنی و عداوت نقل می‌نماییم و یا هنگامی که در باره‌ی حسن ظن و خوش‌بینی داستان‌هایی را نقل نمودیم، داستان‌هایی را نیز در باره‌ی زیان‌های سوء ظن و بدبینی نقل می‌نماییم تا به مصداق گفته‌ی حکیمانه‌ی لقمان

۱. آیه محکمه: اشاره است به اصول عقائد سه گانه. الف) علم توحید با صفات ثبوتیه پروردگار که عدل یکی از صفات اوست. ب) اعتقاد به رسالت جمیع انبیاء و اوصیاء آنها و گواهی به کتب نازل از جانب پروردگار تعالی و تصدیق به وجود ملائکه. ج) علم نظری به معرفت معاد که در مجموع، این علوم را «فقه اکبر» می‌نامند.

۲. فریضة عادله: اشاره به علم اخلاق است که تحلی به فضائل اخلاقی و تخری از ردائیل اخلاقی است؛ زیرا عادله کنایه از حد وسط میان افراط و تفریط است.

۳. سُنَّة قائمه: اشاره است به احکام دین و مسائل حلال و حرام که احکام خمس را شامل می‌شود (احکام خمس عبارتند از: واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام).

۴. شافی، (ملاً محسن فیض کاشانی). نکته: «ما خَلَاهُنَّ فَضِيلٌ» یعنی: بغیر از سه قسم آیت محکمه و فریضه‌ی عادله و سُنَّت قائمه، چیزهای دیگر علم نیستند؛ بلکه فضل و برتری هستند. (و شایسته است که دارندگان آن را «فضلا» بنامیم نه «علما»).

حکیم که گفت ادب را از بی ادبان آموختم، عمل کرده باشیم.^۱

البته ناگفته نماند که برای اثربخشی مواعظ و حکمت‌ها به چند عامل نیاز است که یکی از عوامل مهم این است که خود شخص بخواهد از مواعظ پند بگیرد و به اصطلاح، واعظ درونی داشته باشد. امام پنجم و معصوم هفتم حضرت محمد بن علی الباقر علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظًا فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُ شَيْئًا.»

«کسی که از درون خود، واعظ و پند دهنده‌ای برای خود قرار نداده است، پندهای مردم او را بی‌نیاز نمی‌کند.»^۲

اقوام روزگار به اخلاق زنده‌اند

قومی که گشت فاقد اخلاق، مردنی است

قم، محمد حسین محمدی

۱. البته ناگفته نماند که گفته‌ی لقمان حکیم، در جای خود درست است ولی ما نباید ادب را همواره از بی ادبان بیاموزیم، بلکه باید سعی کنیم از باادبان به ویژه مؤدبان به آداب الهی نیز بیاموزیم.

۲. بحار الانوار ۷۸ / ۱۷۳، باب ۲۲، روایت ۱۵.